



به خاطرشان ریزش کنند و نم و رطوبت و پادرد بر ایمان به ارمغان آورد؛ یعنی بچه هایمان هم از حالا استخوان درد شده اند، چه برسد به خود ما. حالا فکر کنید با این همه هزینه اضافی، باید پول دوا و درمان هم بدهیم.»



قصه ناتمام

از صحبت های شهروندان پیداست که مهم ترین مشکل ساکنان شهرک «شهیدر جایی» اجرایی نشدن طرح «اگو» است؛ طرحی که اگر چه آمدنش هم هزینه های خودش را دارد، ولی به گفته ساکنان، هزینه اش هر چه باشد کمتر از هزینه تخلیه چاه، حفر چاه، ویزیت دکتر، جریمه شهرداری و...

از آرتوروز آمده است، می گوید مدت زیادی است که از استخوان درد رنج می برد؛ نه دردی که او را زمین بیندازد؛ دردی که او را بی روح کرده و مور مور همیشگی تنش به اضافه زق زق استخوان هایش را به همراه دارد. او بعد از این همه دکتر عوض کردن، تازه فهمیده رطوبت خانه، یکی از مهمترین عوامل ایجاد این بیماری است. برای همین هم وقتی دکترش گفته باید خانه ات را عوض کنی و در جایی زندگی کنی که از رطوبت خبری نباشد، لبخندی روی صورتش نقش بسته و یاد چاه های فاضلاب خانه شان افتاده است. یکی از اهالی می گوید: «حالا جالب است خودشان یک استاندارد برای فاصله دو چاه تعریف کرده اند، ولی خودشان خوب می دانند در خانه های کوچک ما این فاصله قابل رعایت کردن نیست. ما هم از ترس جریمه شدن و دلایل دیگر مجبوریم به طور غیراستاندارد چاه حفر کنیم. چاه هایی که زود پُر می شود و ممکن است خانه هایمان

می شویم. شهرداری می گوید: «نمی خواهیم فاضلاب خانگی تان را بیرون بریزید.» اگو هم که اینجا اجرا نمی شود، تنها راهی که جلوی پایمان گذاشته اند حفر چاه در خانه است. خب! بایکی دوتا چاه می توان کنار آمد ولی بیشتر از آن نه. در جواب اعتراضاتمان می گویند: «مگر قدیم همه چاه نمی زدند در خانه هایشان؟» ما می گوییم: «قدیم خانه ها بزرگ بود و اصولی. خانه های ۵۰ متری ما جواب گوی دویا ۳ تا چاه هست؟»



قصه چهارم

حمزه با اینکه سن و سال زیادی ندارد و به تازگی وارد ۳۰ سالگی شده، با یک پلاستیک قرص کلسیم دی و مسکن های درد استخوان و یک قوطی ویتامین خارجی برای پیشگیری

هر جای شهر خیمه زنده اند. تعداد زیادی شرکت تخلیه چاه و لوله بازکنی که همه تبلیغاتشان در همان برچسب های کوچک خلاصه می شود و به نظر که همان ها برای کارشان کافی است. بالاخره بعد از دقایق زیادی که کار چاه بازکن ها تمام می شود، فرصت گفت و گویی کوتاه با آن ها فراهم می شود. آن ها از خالی کردن بیش از ۱۰ چاه در برخی روزهای گویند و اینکه اگر این همه شرکت چاه بازکنی فعال نبودند، کار و کاسبی شان رونق بیشتری داشت. یکی از آن ها که قد بلندتری دارد می گوید: «خیلی طبیعی است که در هر خانه دست کم دو یا سه چاه حفر شود. قدیم ها چاه ها عمیق تر و حتی قطورتر بودند، ولی امروز به خاطر مترای خانه ها و پرهیز از نشست زمین و چاه های نزدیک به هم، چاه کن ها چاه ها را با قطر کمتری حفر می کنند. همین می شود که چاه زود پُر می شود.» او اشاره می کند جنس زمین و اینکه تا چقدر آب را به خود جذب کند هم در زود پادیر پُر شدن چاه مؤثر است.



قصه سوم

برگ های جریمه ای که روی هم تلنبار شده است، خطراتی که با مهر قرمز روی برگه ها جا خوش کرده و مثل فحشی روی مخ صاحب خانه رفته است. یک نفر با همین برگه ها خودش را به ما می رساند و ما را به ماجرای دیگر می کشاند: به صف پرداخت جریمه های ۳۰۰ هزار تومانی، خطرات پلمب و در واقع حفر چاه های متعدد به جای اجرای طرح «اگو» که خود مسبب این مشکلات شده است. اهالی که از حضور ما با خبر شده اند، حرف های نگفته و گلایه های نکرده شان را به یک دورهمی سرپایی آورده اند. هر یک در بیان مشکل و دغدغه ای از جنس آب و فاضلاب (یا بهتر بگوییم چاه و فاضلاب) سعی دارد بر دیگری سبقت بگیرد.

یکی از اهالی که صدای بلند و رسایش همه می خواباند می گوید: «جالب است بدانید مجبوریم در خانه هایمان چاه بزنیم، در غیر این صورت از سوی شهرداری جریمه هم



با یک پلاستیک
قرص کلسیم دی
و مسکن های
درد استخوان
و یک قوطی
ویتامین خارجی
برای پیشگیری
از آرتوروز آمده
است، دکترش
گفته باید خانه ات
را عوض کنی و
در جایی زندگی
کنی که از رطوبت
خبری نباشد

